

مطالعه قوم نگارانه‌ی هنجارها و توصیه‌های عامیانه تشویق کننده مصرف مواد مخدر (مورد مطالعه: قوم عرب شهرستان اهواز)

اصغر میرفردی^۱، مرضیه شهریار^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۱

چکیده

هدف: مطالعه خرده فرهنگ‌ها یکی از مهمترین شیوه‌ها برای شناخت و بررسی آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. سهم مردم‌نگاری، در زمینه پژوهش در مواد مخدر، تمرکز بر روابط اجتماعی با محوریت استفاده از مواد مخدر است. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی خرده فرهنگ‌های قومی (قوم عرب شهرستان اهواز) و هنجارها و توصیه‌های عامیانه‌ی تشویق کننده مصرف مواد مخدر است. **روش:** این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش قوم‌نگاری انجام شد. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد. برای رسیدن به کفایت نمونه از اشباع نظری استفاده شد. قلمرو این بررسی، خرده فرهنگ قوم عرب بود. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از روش کدگذاری سه مرحله‌ای بهره گرفته شد. مرحله اول، کدگذاری باز بود که مفاهیم مهم استخراج شد. در مرحله‌ی کدگذاری محوری، کدهای محوری از تلخیص مفاهیم مقولات مهم بیرون کشیده شد. **یافته‌ها:** علل گرایش به باورها و آداب و رسوم، تعلیم نادرست والدین با توجه به بعد نسبتا بالای خانواده‌های اعراب، تبلیغات غلط فرهنگی، علم نداشتن، نبودن امکانات رفاهی، بیکاری، سطح پایین کیفیت زندگی و تبعیت از آداب و رسوم قومی در زمینه مصرف مواد مخدر بود. در خصوص باورهای عامیانه تشویق کننده مواد مخدر یافته‌ها نشان داد درک و ارزش‌های مشترک می‌تواند قواعد روشنی برای استفاده کنندگان مواد مخدر باشد. دانش در مورد مصرف مواد مخدر از طریق یک شبکه به هم پیوسته اجتماعی، که بیشتر نشان دهنده وجود یک خرده فرهنگ مواد مخدر است، منتقل می‌شود. **نتیجه‌گیری:** می‌توان استدلال کرد که باورها و هنجارهای تشویق کننده مصرف مواد مخدر، برای درمان و یا کاهش درد ناشی از بیماری‌ها از قدیم‌الایام در طب سنتی رواج داشته است.

کلید واژه‌ها: قوم نگاری، مواد مخدر، هنجارها، باورهای عامیانه، توصیه‌های دارویی

۱. نویسنده مسئول: دانشیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، پست الکترونیک:

amirfardi@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

مقدمه

خرده فرهنگ‌ها، شبیه فرهنگ‌ها به طور کلی، هنجارهایی را تجویز می‌کنند که تنظیم‌کننده رفتارها بوده و از نظر اجتماعی دستور داده شده‌اند (گلوری، ۲۰۱۴). این مطالعه، هنجارهای مشخصی از رفتارها، پیرامون استفاده مواد مخدر را مشخص می‌کند که استفاده متوسط و قابل قبولی را تعریف می‌کند. مطالعه خرده فرهنگ‌ها یکی از مهمترین شیوه‌ها برای شناخت و بررسی آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. هنجارهایی که به عنوان قوانین مشترک، که منحصرآبرداشت اعضای جامعه در باب «درست و نادرست»، «صواب از ناصواب» را تعیین می‌کند، در جامعه نقش آفرین است و فرهنگ که به عنوان ارزش‌ها و باورها و هنجارها، سنت‌ها و آداب و رسوم، هنر، تاریخ و فرهنگ عامه یک گروه از مردم تعریف شده است، در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است (جیلوها، ۲۰۰۹). یکی از راه‌هایی که سهم مردم‌نگاری، در زمینه پژوهش در مواد مخدر را برجسته و نقد می‌کند، تمرکز بر روابط اجتماعی حول استفاده از مواد مخدر، مخصوصاً، در الگوی استفاده آن‌ها با یک گروه اجتماعی است. در ادبیات مردم‌نگاری، چهار الگوی عمومی ظاهر می‌شود: افرادی که مواد مخدر را با افراد دیگری استفاده می‌کنند که، در شناسایی با یک شیوه زندگی و یا خرده فرهنگ استفاده از مواد مخدر مشترک هستند، جزء افراد مرکزی هستند. افرادی که مواد مخدر را با افراد دیگری استفاده می‌کنند که در شناسایی با یک شیوه زندگی و یا خرده فرهنگ استفاده از مواد مخدر مشترک هستند، اما جزء مرکزی نیستند. افرادی که مواد مخدر را با دوستان و آشنایان خود مصرف می‌کنند، اما هیچ شناختی از شیوه زندگی استفاده از مواد مخدر ندارند و افرادی که خودشان از مواد مخدر استفاده می‌کنند، در حالی که خودشناسی را با یک گروهی حفظ می‌کنند که در استفاده از مواد مخدر بدنام هستند (کندی و ساندلکولیس، ۱۹۹۴). مصرف مواد مخدر یک رابطه نزدیک با فرهنگ، اعتقادات، باورهای دینی، شرایط اجتماعی - اقتصادی و پیشینه تاریخی هر کشور دارد (شکباچی، ۲۰۱۲).

زمینه‌های اجتماعی استفاده و سوءاستفاده از مواد مخدر متنوع‌اند که در اینجا می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: استفاده در ایزوله‌های اجتماعی به عنوان نمونه: استفاده از مواد مخدر برای افزایش عملکرد، استفاده از مواد مخدر دارویی و غیرمجازدار. استفاده از مواد مخدر با همتایان معمولی؛ استفاده از مواد مخدر تفریحی/ اجتماعی با همسر، دوستان و معشوقه‌ها. در خانه، پارتنرها و جمع‌های اجتماعی و تجربه مواد مخدر در میان دانشجویان. استفاده از مواد مخدر به عنوان بخشی از تشخیص/ سبک زندگی بزرگتر به عنوان نمونه: استفاده از ماری‌جوآنا و ال. اس. دی. به عنوان بخشی از خرده‌فرهنگ مواد مخدر در بین دانشجویان و استفاده از مواد مخدر در شیوه زندگی مجرمانه و مورد آخر استفاده از مواد مخدر در خرده‌فرهنگ متمرکز شده بر مواد مخدر به عنوان نمونه: استفاده از کراک در خرده‌فرهنگ میخانه‌ها و استفاده از هروئین در خرده‌فرهنگ معتادان خیابانی (کندی و سانداکویست، ۱۹۹۴). از این رو، استفاده از مواد مخدر اغلب در خرده‌فرهنگی روی می‌دهد که در آن استفاده از مواد مخدر به خاطر شرایط پیش رو رایج و پذیرفته شده است (بکر^۱، ۱۹۵۳).

شهر اهواز، مرکز استان خوزستان در گذشته و ادوار مختلف به عنوان مرکز تجاری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در منطقه جنوب غربی کشور بوده است. در نتیجه مردم این شهر از دیرباز با فرهنگ‌های مختلف حتی فرهنگ‌های اروپایی به دلیل استعمارزدگی در ادوار مختلف آشنا بوده و پیش‌تر از سایر اقوام و فرهنگ‌های محلی کشور با ملل دیگر تماس فرهنگی داشته‌اند. از سوی دیگر، یکی از مهمترین مؤلفه‌ها، در تبیین هویت قومی در میان اعراب شهرستان اهواز وضعیت نامساعد اقتصادی و اجتماعی ساکنان عرب حاشیه شهر اهواز است. اگر کسی در اهواز دید جامعه‌شناسانه داشته باشد، می‌تواند «کمر بند فقر» را تشخیص بدهد. بیکاری، فقر، اعتیاد، جرم و جنایت در اهواز بسیار چشمگیر است (عزیزی بنی طرف، ۱۳۸۰). از آنجا که اعتقادات خرده‌فرهنگ‌های محلی در مورد علل تسهیل‌کننده مصرف مواد مخدر در ایران کمتر مورد مطالعه واقع شده است؛ از بین کارهای محدود انجام شده داخلی و خارجی می‌توان به برخی موارد اشاره نمود: محسنی

تبریزی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسید که براساس ضرایب اثرگذاری درجه‌بندی کوهن به ترتیب متغیرهای آموزش و مهارت زندگی، کیفیت مناسبات و روابط فAMILI، نظارت و کنترل والدین، رفتارهای شخصیتی و عوامل خانوادگی و وضعیت اقتصادی مهمترین عوامل اثرگذاری بر رفتار اعتیادی می‌باشند. گروسی و محمدی دولت‌آباد (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مثلث خانواده، فرد و اجتماع، طیف احساس شادمانی- پریشانی، ناتوانی در برابر فشار جامعه از علل وابستگی زنان به مواد مخدر می‌باشد. پالمرو و هامفری^۱ (۱۹۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کاربران مواد مخدر، درک و لذت بردن از اثرات دارو را از طریق تعامل با کاربران با تجربه در خرده‌فرهنگ یاد می‌گیرند که در آن آداب و رسوم برای انجام این کار منتقل می‌شود. لذا این پژوهش تأییدی بر ضرورت پژوهش مواد مخدر در حوزه خرده‌فرهنگ است. فرنهام و تامسون^۲ (۱۹۹۶) اعتقادات مردم نسبت به علائم و نشانه‌های اعتیاد به هروئین را مورد مطالعه قرار داده‌اند و دریافتند گرایش‌های غیراخلاقی، شرایط خانواده‌ها و روندهای اخلاقی از مهمترین دلایل تشویق دهنده مصرف مواد مخدر می‌باشد. بدین صورت علیرغم اختلاف مهم بین نظریه‌های علمی و مشاهده باورهای مردمی، برخی شباهت‌ها بین آن‌ها در زمینه علل و اثرات اعتیاد وجود دارد. اسمال، فست، کروسکی، و کر^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی نقش اجتماع و به خصوص گروه دوستان و همالان در شروع به تزریق مواد مخدر پرداختند. در این تحقیق داده‌ها از طریق مصاحبه با جوانان خیابانی تزریق کننده‌ی مواد مخدر گردآوری شد و با استفاده از تحلیل موضوعی تحلیل شدند. نتایج نشان داد در بیشتر مواقع تشویق استفاده کنندگان مواد به تزریق، این کار را تسهیل می‌کند. روایت جوانان در این تحقیق نشان داد در اولین تزریق، تأثیر اجتماعی متقابل همالان بسیار برجسته است. میلان و اونر^۴ (۲۰۰۳) نشان دادند نرم‌های ذهنی نقش مهمی در گرایش به مواد مخدر دارد که می‌تواند تحت تأثیر فشار اجتماعی درک شده از طرف اطرافیان بوده و شدت آن به انگیزه فرد برای برآوردن

1. Palmer, & Humphrey
 2. Furnham, & Thomson

3. Small, Fast, Krusi, Wood, & Kerr
 4. Mc Millan, & Onner

انتظارات دیگران بستگی دارد. همچنین نرم‌های اخلاقی می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در رابطه با سوء مصرف مواد در عملکرد رفتاری داشته باشد. کرامود، سونو، سانگ پوت، و دواین^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با استفاده از روش کیفی با استفاده از ۳ بحث گروهی متمرکز و ۱۰ مصاحبه عمیق به بررسی اعتیاد و مصرف مواد مخدر در دو ایالت در شمال شرقی هند پرداختند. نتایج نشان داد دلایل استفاده از الکل و مواد مخدر عبارتند از گوشه‌نشینی، فشارهای هیجانی، غلبه بر شرم در رابطه جنسی و لذت. براساس یافته‌های میسیا^۲ (۲۰۰۹) علل ریشه‌ای مصرف مواد مخدر شامل زمینه‌های فردی، ویژگی‌های خانوادگی و عوامل اجتماعی و محیطی می‌شود.

تحقیقات اولیه در استفاده مردم از مواد مخدر نشان داد، استفاده از مواد مخدر، عمدتاً در خرده فرهنگ‌های منحرف رخ می‌دهد. نظریه‌های خرده فرهنگ انحرافی، چارچوب نظری غالبی دارند که در آن استفاده مردم از مواد مخدر مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر اهمیت خرده فرهنگ‌های منحرف و حفظ اعمال انحرافی تمرکز می‌کند. آن‌ها استدلال می‌کنند انحراف در نتیجه یک یادگیری آموخته شده از ارزش‌ها و هنجارهای انحرافی در چارچوب یک خرده فرهنگ اتفاق می‌افتاد (کلینارد و میر^۳، ۱۹۹۲). تحقیقات گذشته نشان داده، کنترل اجتماعی و فرایندهای یادگیری که در خرده فرهنگ‌های مواد مخدر عمل می‌کنند، چارچوبی هستند که در آن مردم تصمیم می‌گیرند که چگونه یک ماده مخدر مشخص باید استفاده شود و چگونه از آن تجربه حاصل خواهد شد (بکر، ۱۹۶۳). کار پیشگام در خرده فرهنگ استفاده از مواد مخدر، توسط بکر در مورد استفاده از ماری جوانا انجام گرفت. وی تحقیقات خود را در کتاب *بیگانگان* خود در سال (۱۹۶۳) منتشر کرده است. بکر، بر شرایط لازم برای تبدیل شدن به یک استفاده کننده ماری جوانا و بر اهمیت یادگیری در یک خرده فرهنگ مصرف کننده مواد مخدر در شروع و تداوم استفاده از ماری جوانا تمرکز کرد. وی، متوجه شد که یادگیری برای درک و لذت بردن از اثرات ماری جوانا، توسط یک خرده فرهنگ از استفاده کنندگان با تجربه، میانجی‌گری می‌شود.

1. Kermodé, Sono, Songput, & Devine

2. Maithya

3. Clinard, & Meier

او استدلال کرد که افراد قادر به استفاده از مواد مخدر برای لذت بردن هستند، تنها زمانی که تصور این است که به عنوان ماده‌ای برای لذت بردن می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که با سه شرط مواجه شویم: استفاده کننده روش صحیح استفاده را آموخته باشد، درک از اثرات دارو را آموخته باشد و لذت بردن از اثرات دارو را هم آموخته باشد. برای بکر، این سه شرط از طریق تعامل فرد با یک گروه از استفاده کنندگان دیگر که در ابتدا با مفاهیم ضروری در سازماندهی تجربه مواد مخدر مجهز می‌شوند، به وقوع می‌پیوندد (گلوری، ۲۰۱۴). امروزه ماهیت استفاده از مواد مخدر در جامعه تا حدودی با گذر زمان تغییر کرده است. ما در حال حاضر شاهد استفاده گسترده از مواد مخدر تفریحی در میان تعداد نسبتاً زیادی از مردم عادی هستیم.

مصرف مواد و سوء مصرف آن دارای قدمت بسیار طولانی است؛ اما سوء مصرف مواد به صورت اعتیاد در حال حاضر به یکی از جدی‌ترین مسائل جامعه بشری تبدیل شده است. مطالعه تاریخی سوء مصرف مواد نشان می‌دهد که مصرف مواد و سوء مصرف آن به مدت هزاران سال با یکدیگر همزیستی داشته‌اند بدون این که به عنوان مسئله اجتماعی و یا حتی به عنوان چیز بد تلقی شوند. تنها در چند صدسال اخیر است که سوء مصرف مواد به عنوان یک مسئله اجتماعی به صورت اعتیاد مطرح شده است. هدف پژوهش حاضر، پرداختن به این مسئله است که در شرایط کنونی بین خرده فرهنگ‌های قومی (قوم عرب شهرستان اهواز) و هنجارها و توصیه‌های عامیانه‌ی تشویق کننده مصرف مواد مخدر چه رابطه‌ای وجود دارد؟ تا از این رهگذر به درک دقیقی از علل گرایش آن‌ها به باورها و آداب و رسوم تشویق کننده به خصوص در حوزه مصرف مواد مخدر نائل آییم. بنابراین هدف پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است: ۱. درک و تفسیر قوم عرب، از گرایش آن‌ها به باورها و آداب و رسوم قومی خود چیست؟

۲. در میان قوم عرب، چه باورهای عامیانه‌ای نسبت به مصرف مواد مخدر وجود دارد؟

۳. قوم عرب، چه توصیه‌های محلی و درمانی نسبت به مصرف مواد مخدر دارند؟

۴. قوم عرب، در مراسم و مهمانی‌های خود چه باورها و آداب خاصی که تسهیل‌گر مصرف مواد مخدر باشد، دارند؟

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از روش قوم‌نگاری انجام شده است. قوم‌نگاری روشی است که، براساس آن محقق به مطالعه‌ی رفتارها و فعالیت‌های افراد مورد مطالعه در محیط طبیعی می‌پردازد. جامعه آماری این بررسی از میان خرده‌فرهنگ‌های متنوع در شهرستان اهواز، خرده‌فرهنگ قوم عرب بود. داده‌های مورد نیاز از طریق ثبت مکالمات و مصاحبه با تعدادی از مطلعین در مصرف مواد مخدر گردآوری شده است. روش گردآوری داده‌ها به صورت مشاهده و مصاحبه است. در پژوهش حاضر داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و مشاهده گردآوری شده است. در این پژوهش جهت انجام مصاحبه‌ها از نوع شناسی مصاحبه پاتن (۲۰۰۲) استفاده شده است (به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲). پاتن سه نوع مصاحبه را از هم تفکیک می‌کند: مصاحبه مکالمه‌ای غیررسمی^۱، رهیافت راهنمایی مصاحبه عمومی^۲ و مصاحبه باز استاندارد شده^۳. در تحقیق حاضر هر سه رویکرد پیشنهادی پاتن به ترتیب زیر استفاده شد. در آغاز کار برای دست‌یابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه مکالمه غیررسمی استفاده شد. بعد از آشکار شدن مفاهیم و مقوله‌های اولیه با استفاده از رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شد. پس از شکل‌گیری خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها، به طراحی مجموعه‌هایی از سؤالات باز پرداخته شد و این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های معمول در روش نظریه زمینه‌ای یعنی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی، استفاده شد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه و سپس مقوله‌های عمده مبتنی بر آن‌ها، شناسایی شده، خصیصه و ابعادشان کشف شدند. در کدگذاری محوری مقوله ۱

1. Informal Conversational Interview
2. General Interview Guide Approach

3. Standardized Open -Ended Interview

براساس خواص شان (زیرمقوله‌ها) به یکدیگر متصل شدند؛ و نهایتاً در کدگذاری انتخابی مقوله‌ها در جهت خلق نظریه، یکپارچه و پالایش شدند (ایمان، ۱۳۹۰). در این مرحله همچنین ترکیب مقوله نیز صورت گرفت یعنی مقوله‌ها پالایش نظری شده و حول یک مقوله هسته مرتبط شدند.

در این پژوهش، محقق به عنوان فردی غیرعرب زبان در جامعه مورد بررسی برای برقراری روابط خوب اصطلاحاً نیاز به "نگهبانان دروازه‌ها" داشت. در این پژوهش دروازه‌بان (فردی عرب زبان و آشنا با آداب و رسوم قوم عرب شهرستان اهواز) هنگام معرفی محقق به بعضی از اشخاص در نزد دیگران، تلاش‌های زیادی را انجام داد و نشست‌های محقق با مصاحبه شونده‌گان را، بسیار آسان نمود. با اتکاء به همین استدلال، نمونه‌های انتخاب شده برای انجام مصاحبه در شهرستان اهواز، مطلعین و بعضی از افراد آشنا با آداب و رسوم محلی به خصوص در حوزه مصرف مواد بودند (نمونه‌گیری هدفمند). در این پژوهش جهت گزینش مطلعان از معیارهای مورد نظر نیومن (۲۰۰۰، به نقل از محمدپور، ۱۳۹۱) استفاده شد. این معیارها عبارت بودند از: مطلع باید با فرهنگ یا جامعه تحت مطالعه آشنایی کامل داشته باشد، باید در زمان انجام مطالعه در آن جامعه حضور داشته باشد، باید وقت کافی برای همراهی و گفتگو با محقق را داشته باشد، باید فردی با ذهن غیرتحلیلی باشد. در این پژوهش علاوه بر نمونه‌گیری هدفمند از نمونه‌گیری نظری نیز استفاده شد. از این نمونه‌گیری برای شناسایی، خلق و مرتبط کردن مفاهیم جهت پرورش نظریه و از معیار اشباع نظری که از ویژگی‌های این نمونه‌گیری است جهت پایان دادن به جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. در این میان محقق با مصاحبه از ۲۶ نفر از ریش سفیدان و مطلعین محلی به اشباع نظری پیرامون مسأله مورد بررسی دست یافت. داده‌ها به شیوه توصیفی تحلیل شد. اگرچه اعراب ساکن در استان خوزستان، به لحاظ جمعیتی در اکثریت نیستند، اما به طور نسبی و در مقایسه با دیگر اقوام ساکن در استان در اکثریت می‌باشند. عمده هموطنان عرب که بسیاری از آنان به شیوه روستایی زندگی می‌کنند، دامدار یا کشاورزند.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

کد	سن	جنسیت	وضعیت تاهل	شغل	کد	سن	جنسیت	وضعیت تاهل	شغل
۱	۵۵	مذکر	متاهل	کارگر	۱۴	۴۷	مذکر	متاهل	کارگر
۲	۲۷	مونث	مجرد	مغازه دار	۱۵	۵۵	مذکر	متاهل	بیکار
۳	۴۵	مذکر	متاهل	کارمند	۱۶	۵۸	مذکر	متاهل	مغازه دار
۴	۵۶	مونث	متاهل	خانه دار	۱۷	۲۵	مونث	مجرد	آرایشگر
۵	۴۹	مذکر	متاهل	عطار	۱۸	۵۹	مذکر	متاهل	پیمانکار
۶	۵۸	مونث	متاهل	خانه دار	۱۹	۴۶	مذکر	متاهل	کارگر
۷	۳۵	مونث	مجرد	معلم	۲۰	۴۵	مذکر	متاهل	کارگر
۸	۴۲	مذکر	متاهل	مترجم	۲۱	۳۹	مذکر	متاهل	کارمند
۹	۴۷	مذکر	متاهل	برقکار	۲۲	۵۵	مونث	متاهل	خانه دار
۱۰	۴۰	مذکر	متاهل	کارگر	۲۳	۶۷	مذکر	متاهل	بازنشسته
۱۱	۴۸	مذکر	متاهل	راننده	۲۴	۲۹	مونث	مجرد	دانشجو
۱۲	۳۶	مذکر	متاهل	کارمند	۲۵	۴۸	مونث	متاهل	مغازه دار
۱۳	۵۵	مونث	متاهل	خانه دار	۲۶	۵۲	مذکر	متاهل	عطار

با بررسی داده‌ها از مرحله اول کدگذاری باز مفاهیمی به دست آمد که در جدول ۲ ارائه شده است. این مفاهیم بیانگر درک و تفسیر مشارکت کنندگان در تحقیق از هنجارها و توصیه‌های عامیانه تشویق کننده مصرف مواد مخدر در شهرستان اهواز است.

جدول ۲: مفاهیم اولیه تحقیق، مقوله‌های عمده و هسته

ردیف	مفاهیم	مقوله	مقوله هسته
۱	اشتغال به شغل‌های غیر قانونی و کاذب، بی توجهی والدین، بیکاری، فقر، بی توجهی مسئولان، بی سوادی و عدم آگاهی	گرایش به باورها و آداب و رسوم	بهنجارشدن موقعیت
۲	تشویق به مصرف مواد مخدر، بی توجهی به پیامدهای مصرف، نشناختن مضرات مواد مخدر، ارزش دادن به مصرف کننده، آسان گرفتن مصرف مواد مخدر، سرخوشی	باورهای عامیانه	مصرف مواد مخدر با استفاده از
۳	کاهش درد ناشی از بیماری‌ها، تقویت قوای جنسی، چاقی و خواب بچه، سرخوشی، سرحال شدن، تسکین دهنده، رفع تنش ناشی از کار، از بین بردن کهولت دوران کهنسالی	توصیه‌های محلی و درمانی	توصیه‌ها و باورهای عامیانه
۴	احترام به میهمان، توزیع تریاک در میهمانی‌ها، توصیه اطرافیان برای مصرف، نشان شأن و منزلت، انرژی‌زا بودن، نشان مردانگی مصرف کننده	باورهای خاص در مراسم و مهمانی	

همان‌طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود، به‌طور کلی در مرحله کدگذاری باز مفهوم و یا زیرمقوله استخراج شد که در قالب ۱ مقوله عمده قرار گرفتند. این مقوله‌ها عبارتند از: گرایش به باورها و آداب و رسوم محلی، باورهای عامیانه و توصیه‌های دارویی و درمانی نسبت به مصرف مواد مخدر. این مقوله‌های عمده در مرحله کدبندی گزینشی به استخراج یک مقوله هسته منجر شد. مقوله هسته محوری «بهنجارشدن موقعیت مصرف مواد مخدر با استفاده از توصیه‌ها و باورهای عامیانه» است. بررسی‌هایی در زیر با ارجاع به گفته‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق، هر یک از مقوله‌های عمده تحقیق به اختصار مطرح می‌شوند. در این قسمت، پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، سه مقوله مهم و بعضی از ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی از بین آن‌ها استخراج شد که عبارت بودند از: باورهای عامیانه تشویق‌کننده مواد مخدر، توصیه‌های دارویی و درمانی، توصیه‌های خاص در مراسم و مهمانی‌ها.

۱. سؤال اول تحقیق، درک و تفسیر قوم عرب، از گرایش‌شان به باورها و آداب و رسوم قومی خود بود. طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان، «این قوم از امکانات رفاهی و اجتماعی ناچیزی برخوردارند. این مسأله باعث شده است، اکثریت اعراب از لحاظ فرهنگی و آموزشی وضعیت نامناسبی داشته باشند»، «کشتن ناموس به دلیل انجام خطاهای کوچک تعصبات خشک، تابعیت عشیره‌ها از «شیوخ»، اشتغال به شغل‌های غیرقانونی و کاذب (سرقت خودرو، قاچاق، دست‌فروشی، تکدی‌گری، اعتیاد و...)، داشتن فرزندان زیاد و بسیاری مشکلات دیگر ناشی از همین عقب‌ماندگی فرهنگی و اقتصادی است». در همین رابطه مصاحبه‌شونده با کد شماره‌ی ۲۹ می‌گوید: «در قوم عرب نهی کردن فرزندان خرجی ندارد ولی امر کردن آن‌ها به انجام کارها زیاد مرسوم نیست». در منطقه مورد مطالعه یک‌سری سنت و رسوم محلی وجود دارد که مصرف مواد مخدر و به‌خصوص تریاک را تسهیل می‌کنند. می‌توان گفت، هر قدر میزان احساس محرومیت در یک قوم بیشتر باشد و آن قوم احساس کند فرهنگ و زبان و ارزش‌هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، در این صورت، گرایش به حفظ فرهنگ و هنجارها و آداب و رسوم قومی در آن قوم تشدید می‌شود. در حالت افراطی، این گرایش‌ها به شکل قوم‌مداری

متجلی می‌شود. افراد گروه قومی به هم‌ذات‌پنداری با میراث و فرهنگ‌شان نیاز دارند، این امر به جوانان گروه قومی، هدف و جهت می‌دهد (قیم، ۱۳۸۰).

طبق یافته‌های به دست آمده از اظهارات مصاحبه‌کنندگان می‌توان گفت: آن‌ها علت بسیاری از رویکردهای خود به مصرف مواد مخدر را، به خاطر تعلیم نادرست والدین با توجه به بعد نسبتاً بالای جمعیتی خانواده‌های اعراب، تبلیغات غلط فرهنگی، نداشتن علم و آگاهی، نبودن امکانات رفاهی، بیکاری، سطح پایین کیفیت زندگی و تابعیت از آداب و رسوم قومی می‌دانند. یافته‌های این پژوهش را می‌توان بخشی از هنجارها و باورهای دانست که در خرده‌فرهنگ قوم عرب استان خوزستان به دلیل شرایط خاص اجتماعی-فرهنگی رواج دارد.

در تبیین علل گرایش به باورها و آداب و رسوم تشویق‌کننده مصرف مواد مخدر می‌توان به نظریه‌های ذیل اشاره کرد. طبق نظر هومنز، اگر فرد احساس محرومیت و تبعیض کند، به هنجارهای اجتماعی بی‌توجه می‌شود. و ارزش‌ها و الگوهای جمعی را نمی‌پذیرد. ولی اگر در جامعه عدالت توزیعی رعایت شود، فرد را از اخلاق خاص گرایانه به سمت اخلاق عام‌گرایانه سوق می‌دهد (ریتزر، ۱۳۷۹). تحقیقات اخیر در مواد مخدر تأکید کرده‌اند که، ارتباطات و انتقال دانش در مورد مواد مخدر، از طریق داستان و فولکلور نشان‌دهنده جنبه‌های مهمی از خرده‌فرهنگ استفاده‌کننده است. اطلاعات فرهنگی و گزینه‌ها برای رفتار از طریق تعامل با شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد که منجر به شکل‌گیری گفتمان مشترک برای اعضای یک خرده‌فرهنگ می‌شود. اهمیت دانش تخصصی در درون خرده‌فرهنگ انباشته شده است، که در آن بردانش ممنوعه برای چرخش در میان استفاده‌کنندگان از مواد مخدر از طریق داستان‌سرایی تأکید شده است (گلوری، ۲۰۰۴). فولکلور به صورت مداوم در حال تحول آموزش کاربران است که به واسطه این تحول افراد قادر به دست آوردن تجربه با مواد مخدر و تجربیات خود با کاربران دیگر می‌شوند (بک و روزنباوم، ۱۹۹۴). در بسیاری از فرهنگ‌ها، اطلاعات استفاده‌کننده‌ها در مورد چگونگی استفاده از مواد مخدر با خیال راحت منتقل می‌شود. به عنوان

مثال، داشتن یک تجربه خوشایند از مواد مخدر برای استفاده کنندگان اطلاعات و دانش مناسبی برای هدایت رفتار مربوط به مواد مخدر فراهم می کند (پارکر، ۱۹۹۸).

۲. براساس مصاحبه های صورت گرفته بعضی از جملات و باورهای عامیانه تسهیل گر مصرف مواد مخدر یا در زبان عربی « نووامر» بودند، در این رابطه مصاحبه شونده کد شماره ۸ معتقد بود: «دو تا دود بگیر بی خیال عالم شو» این باور نیز باوری تسهیل کننده است، یعنی با مصرف مواد مخدر تمام دردها و رنج های شما به پایان می رسد. «یک بار زیاد هزار بار کافی نیست» این باور تسهیل گر آن است که، اگر یک بار مصرف کردی چنان لذتی به فرد می دهد که دیگر نمی توانید از آن استفاده نکنید. «لا تروح لطیب روح لسانی علیه»، یعنی پیش طیب نرو برو نزد کسانی که تجربه دارند، این باور تسهیل گر زمانی به کار می رود که، اگر به پیرمردها و پیرزن ها با استفاده از مواد مخدر خوب رسیدگی شود در دوران کهولت درد و خستگی را احساس نمی کنند. «له حد الان ما شفنه الشخص بی التجربة مره وحده اسیر مدمن به المخدرات»، یعنی تا به حال دیده نشده که کسی با یک بار مصرف معتاد شود. «اسبوح نوبتین جامع، بالشهر نوبتین صحی بدنک، بالسن نوبه دگ»؛ یعنی هفته ای دو بار همبستر شو با همسرت، ماهی دو بار بدنت را پاکسازی کن با مواد مخدر و سالی یک بار حجامت کن. «امشی شهر و لا تطفر نهر»: یک ماه راه برو اما از جو نپر. در اشاره به این که اگر می خواهی لذت دنیا را ببری باید مواد مصرف کنی. «اتحد ما عثر» یعنی کسی که آهسته راه برود زمین نمی خورد اشاره دارد به اینکه اگر حد خودت را بشناسی معتاد نمی شوی. «إذا الشخص الیحصل مره وحده و اجر ب مره وحده من المخدرات راه نیسه کل هموم و مشاکله و اکون سعید»، یعنی کسی که یک بار مصرف کند، تمام درد و ناراحتی هایش از یادش می رود و شاد می شود. «اما طبعاً کل هذا راح اسیر به فتره من تدخیر الذهن و کذلک شخص ما یشعر به الحواله و بالاخیر ییحس به خرم و سعاده»، یعنی فرد با کشیدن مواد مخدر احساس خوشحالی و بی دردی می کند و احساس سبک شدن و خوشبختی می کند. در این رابطه مصاحبه شونده کد شماره ۲ معتقد بود: «اگر کسی خوب به خودش برسد برایش مفید است». «لکن الحقیقه

هی: انه اشخاص الضعیف النفس ایكونوا دائماً متعرضین لادمان بل مخدرات اكثر ما اكونوا فقرا او اغنیاء، یعنی بیشترین کسانی که معتاد می شوند، اکثراً از طبقه فقیر جامعه می باشند و کسی که پولدار است هیچوقت دچار مخدرات نمی شود. "أحياناً بعض الناس یقولون: اه اكثر مدمین به المخدرات من طبقه ضعیف مادیه فی المجتمع و شخص الغنی مراح اکون و اسیر مدمن به المخدرات"، یعنی معتادین از سربدبختی و نداری معتاد می شوند کسی که داشته باشد معتاد نمی شود. "لب که خورد به وافور تن رو می شورن با کافور". "آدم شجاع با یکی دو بار کشیدن معتاد نمیشه".

طبق نظر بکر، یک خرده فرهنگ کاربرد آگاهانه را به عنوان یک راه برای ایجاد یک چارچوب امن برای استفاده از مواد مخدر نشان داد (بک و روزنهام، ۱۹۹۴). بسیاری از مصاحبه شوندگان معتقد بودند که در مورد مواد مخدر از طرق دیگر کاربران و از طریق داستان‌ها در رسانه‌ها شنیده‌اند و استفاده از آن را با تصویری از رقص پرانرژی و مهمانی مرتبط می‌دانستند. این امر بر ادراک آن‌ها از مواد مخدر به عنوان یک داروی مناسب در مهمانی‌ها و بر تصمیم آن‌ها مبنی بر استفاده از آن تأثیر داشت. دو مصاحبه‌شونده عنوان کردند که، "زمانی که در تلاش برای مصرف مواد مخدر بودند، اعتیاد به مواد مخدر در رسانه‌ها و در بین جمعیت جوان همه‌گیر شده بود". بنابراین، اطلاعات استفاده از مواد مخدر نه تنها از طریق تعامل چهره به چهره منتقل می‌شود، بلکه از طریق یک شبکه اجتماعی گسترده‌تر به هم پیوسته نیز قابل توزیع خواهد بود" (پارکر و میاشام، ۱۹۹۸).

۳. سؤال سوم، توصیه‌ها و هنجارهای دارویی و درمانی بود. توصیه به مصرف مواد مخدر برای درمان و یا کاهش درد ناشی از بیماری‌ها از گذشته دور در میان مردم ایران در قسمت‌های مختلف رواج داشته است. در این پژوهش که در میان قوم عرب انجام گرفته، بسیار مرسوم بوده که از مواد مخدر، جهت کاهش درد کمر، سردرد، برطرف کردن قند خون، کاهش خستگی بعد از انجام یک کار سخت، درد رماتیسم و از بین بردن لکه‌های ناشی از سوختگی و همچنین به عنوان یک داروی مسکن استفاده می‌کردند. همچنین از نظر آن‌ها، همه گیاهان دارویی، بوته‌ای و مواد مخدر، چای و قهوه تسکین‌دهنده هستند

و بیشتر مسکن، آرامش بخش، خواب آور، ضد سرطان، ضد درد سنگ کلیه و انرژی زا هستند. در داده‌های جمع آوری شده نتایج زیر حاصل شد. مصاحبه شونده کد شماره ۱ معتقد بود: "کشتن مار از سر، اگر از دم بزیم مار نیش می زند". این باور، باور تسهیل گری است یعنی اگر مواد اعتیاد آور به صورت صحیح مصرف شود برای درمان اساسی است. مصاحبه شونده کد شماره ۱۳ معتقد بود: "مصرف خشخاش همراه با رازیانه و هل و عناب برای آرام شدن، چاقی و خواب بچه‌های کوچک مفید است". مصاحبه شونده‌گان اظهار می کردند: "مخلوط تنباکو و سرکه و مصرف تنباکو برای درمان جوش‌های صورت و جای زخم‌ها بسیار مفید است". همچنین مصاحبه شونده کد شماره ۲۶ معتقد بود: "استفاده از مواد مخدر جهت از بین بردن موهای زائد و همچنین لکه‌های سوختگی مفید است". بسیاری از افراد اعتقاد داشتند که چون همه‌ی داروها و حتی قوی ترین مسکن‌ها از جمله کافئین و نیکوتین از تریاک منشعب شده، به همین دلیل از قدیم الایام در طب سنتی، مصرف مواد مخدر به علت خاصیت تسکین دهنده و آرام بخشی، "شفابخش تمام بیماری‌ها" بوده است. به علاوه آن‌ها معتقد بودند: "کویدن پوست خشخاش و سپس جوشاندن و خوردن آن برای زنان خانه داری که همزمان چند مسئولیت را دارند، امری رایج و پذیرفته شده است؛ زیرا باعث تسکین دردهای ناشی از کارها و وظایف سخت می شود". اکثر مصاحبه شونده‌گان بیان می کردند که از مواد مخدر به منظور "افزایش روحیه خود، استراحت یا رفع تنش پس از یک هفته کار یا دانشگاه رفتن استفاده می کنند". همچنین استفاده تفریحی از مواد مخدر به جوانان این قوم، "ایده خارج شدن از تنش‌های زندگی روزمره را می دهد". باعث "رفع کمروبی و ترس"؛ "بالا بردن توانایی‌های جنسی" می شود. تعدادی از مصاحبه شونده‌گان معتقد بودند که، هر چند برای افزایش میل جنسی مورد استفاده واقع می شود اما، تنها در همان مراحل اولیه این احساس وجود دارد و در مراحل بعد، "مواد مخدر همانند باتلاقی است که اگر در درون آن فرو رفتید دیگر نمی توانید از آن رها شوید". "تریاک و سوخته دوای هر دردی غیر از خودش است". در تبیین نقش توصیه‌های دارویی و درمانی می توان به نظریه‌های خرده فرهنگی اشاره نمود که معتقدند عضویت در یک خرده فرهنگ مواد مخدر نیاز به شواهدی دارد که در آن مصرف

کنندگان مواد مخدر ایده‌های فرهنگی مشابهی را در مورد مواد مخدر به اشتراک می‌گذارند (گلوری و میر، ۱۹۹۲). بخشی از نمادهای زمینه‌ای، استفاده از مواد مخدر به تفاهات مشترکی بر می‌گردد که، در آن حس واقعیت استفاده از مواد مخدر سازماندهی و ایجاد می‌شود. اطلاعات به دست آمده نشان داد که، ایده‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات حاکم بر استفاده از مواد مخدر در میان گروه‌های استفاده‌کنندگان وجود دارد که این امر نقش برخی خرده‌فرهنگ‌ها در ترویج و باورهای تشویقی غلط را نشان می‌دهد.

۴. سؤال چهارم، باورها و هنجارهای قوم عرب پیرامون استفاده از مواد مخدر در مراسم و جشن‌های خاص بود. نتایج نشان داد دو صنف بیشتر از همه در قبایل عرب از مواد مخدر استفاده می‌کنند؛ "طبقه خیلی پول‌دار و طبقه شیوخ". مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌کردند "این دو قشر مصرف مواد را نوعی شأن و منزلت می‌دانند و شیوخ در مهمانی‌های خود، بزرگان طایفه را دعوت کرده و با قهوه و تریاک از آن‌ها پذیرایی می‌کنند و این مهمانی را نشانه قدرتمندی و افتخار می‌دانند". همچنین در مراسمات عروسی و عزاداری از جملاتی مانند: "یار بازی، توپ بازی و زمین بازی" استفاده می‌کردند که یکی از باورهای تسهیل‌گر استفاده از مواد مخدر است یعنی همیشه جمع دوستان، مواد مخدر و جای مصرف را با خودت داشته باش تا از درد و رنج دوری و از شادی‌ها لذت ببری. در این رابطه مصاحبه‌شونده کد شماره ۸ معتقد بود: "حشیش اعتیاد نمی‌آورد"، "قدرت مواد مخدر به اندازه‌ی سرانگشت از قدرت اراده خداوند کمتر است". «کم بخور همیشه بخور» یعنی اگر روش مصرف را درست انجام بدهید، معتاد نمی‌شوید. "مشروب باعث شنگول کردن آدم و بسیار انرژی‌زا است". همچنین در رسم معروف اعراب که «فصل‌بندی» نام دارد و طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان؛ "به جبران خسارت مادی یا معنوی و یا جانی در میان اعراب جهت حل اختلاف میان دو طرف از دو عشیره یا از دو طرف از یک عشیره، فصل می‌گویند. و از نظر عرف عشایر، جهت رفع فتنه و برقراری صلح میان دو طرف دعوا به کار می‌رود که بخش عمده آن را به خانواده آسب‌دیده می‌دهند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که در این گونه مراسمات خانواده زیان‌زننده، باید از قبل تریاک را برای شیوخی که جهت فصل‌بندی آمده‌اند آماده کند، در غیر این صورت به شیوخ بی‌حرمتی شده است". یا

باورهای از قبیل: "هفته‌ای یک بار، دچار هیچ مشکلی نمی‌شود اگر اراده داشته باشی هیچ طوری نمی‌شود". "برای چی زنده‌ای تو که مصرف نمی‌کنی"، "می‌خواهی این ریه‌های سالم را با خودت ببری زیر خاک"، "اعتیاد مرخصی دارد اما کارت پایان خدمت ندارد" و "مواد مخدر وام می‌دهد یعنی اگر می‌خواهی لذت دنیا رو ببری مواد مصرف کنید". "مزه لوطی خاک است"؛ این نیز باوری تسهیل‌گر است یعنی کسانی که از مواد الکلی استفاده می‌کنند به تمام مادیات پشت کرده‌اند. "حجالت نمی‌کشی مواد مخدر مصرف می‌کنی، مشروب بخور، مردانگی می‌آورد". مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند: "از طریق دیگر کاربران و صحبت‌هایی که در رسانه‌ها شنیده بودند، با مواد آشنا شده‌اند و استفاده از آن را با تصویری از رقص پرنرژری و مهمانی مرتبط می‌دانستند. این برداراک آن‌ها از مواد مخدر به عنوان یک داروی آرام‌بخش در مهمانی و بر تصمیم آن‌ها مبنی بر استفاده موثر بود. دو مصاحبه‌شونده عنوان می‌کردند که: "زمانی که در تلاش برای مصرف مواد مخدر بودند، اعتیاد به مواد مخدر، در رسانه‌ها و در جمعیت جوان همه‌گیر شده بود". تصویری که از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان دریافت شد این بود که، مصرف مواد مخدر حتی می‌تواند اثرات اجتماعی داشته باشد بدین صورت که؛ "زمانی وجود دارد که استفاده کنندگان نمی‌توانند صحبت‌شان را متوقف کنند و می‌خواهند با دیگران باشند، و زمان‌هایی وجود دارد که آن‌ها فقط می‌خواهند ساعت‌ها برای خودشان برقصند، در موسیقی غوطه‌ور شوند و از حصار دور خود خارج شوند. بخشی از اثرات مواد مخدر و هنجارهای که با آن مواجه می‌شوند این است که زمان‌هایی برای اجتماعی شدن، برای رقص و خوداندیشی وجود دارد". هنگامی که در مورد امکان استفاده از مواد مخدر از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد، مصاحبه‌شوندگان دلایل مشابهی را برای استفاده از مواد مخدر عنوان کردند. آنها معتقد بودند که: "مواد مخدر را اغلب در جشن‌ها برای رقص به خاطر جو ایجاد شده استفاده می‌کنند". "مواد مخدر را تنها در مهمانی‌های خاص، و پارتی‌های شبانه استفاده می‌کنند که در آن رفتارهای استفاده از مواد مخدر توسط کسانی که در اطراف ما هستند، پذیرفته شده است". یکی از شایع‌ترین دلایل این بود که مصاحبه‌شوندگان آرزو داشتند تا در سطح مشابهی با دوستان خود باشند، هنگامی که به عنوان یک گروه به بیرون می‌رفتند، در

نتیجه تا اندازه زیادی تمایل به استفاده از مواد مخدر در یک موقعیت خاص داشتند، به خصوص اگر دوستان آن‌ها در حال استفاده از این دارو بودند. پاسخ معمول دیگر این بود که "مواد مخدر برای فعال کردن مردم برای پارتی گرفتن در تمام شب و برای سرگرمی و هیجان در کل شب استفاده می‌شده است". این نقل قول یکی از مصاحبه‌شوندگان است که، کارکرد تفریحی را برای مصرف مواد مخدر نشان می‌دهد: "شما فقط می‌دانید که در حال رفتن به بهترین زمان هستید".

در تبیین این یافته، نظریه‌های خرده‌فرهنگ استدلال می‌کنند که مصرف‌کنندگان مواد مخدر انگیزه برای استفاده از مواد مخدر را در تعامل با دیگر کاربران به دست می‌آورند. بکر، استدلال کرد که شروع، تداوم و قطع مصرف مواد مخدر در نتیجه تغییرات در برداشت و درک خود از مواد مخدر و عضویت در یک خرده‌فرهنگ مواد مخدر است که می‌توانند در طول زمان در قالب تعامل با کاربران دیگر و پذیرش فرهنگ مصرفی آنان به مواد مخدر گرایش پیدا کنند (گلوری، ۲۰۰۴). اجتماعی شدن افراد در محیطی که ساکنان آن نسبت به مصرف مواد مخدر مدارا دارند، می‌تواند موجب روی‌آوری آن‌ها به سمت مصرف مواد مخدر گردد. با توجه به نظریه‌های خرده‌فرهنگ بکر از انحراف، به استفاده‌کنندگان آموزش داده می‌شود که اثرات مواد مخدر را از طریق مشارکت در یک خرده‌فرهنگ استفاده از مواد مخدر درک کنند. بکر تأکید کرد که استفاده‌کنندگان تازه‌کار مواد مخدر، نوعی آگاهی و درک پیرامون استفاده از مواد مخدر را در یک خرده‌فرهنگ تسهیل‌کننده مصرف مواد مخدر به دست می‌آورند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات مردم‌نگاری، الگوهای استفاده از مواد مخدر را در سراسر جهان مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند و با این کار به درک تأثیرات اجتماعی در استفاده از مواد مخدر کمک کرده‌اند. این بینش، به عنوان مثال، در برنامه‌ریزی، اجرا و تا حدی ارزیابی از برنامه‌های پیشگیری از مواد مخدر در انواع زمینه‌های مختلف اجتماعی استفاده می‌شود. محققان همچنین از مردم‌نگاری برای دنبال کردن الگوهای در حال تغییر استفاده از مواد مخدر استفاده کرده‌اند. علاوه بر این؛ مردم‌نگاران اطلاعات ارزشمندی درباره استفاده از مواد

مخدر جدید، گونه‌های مواد مخدر مورد استفاده، چگونگی استفاده از مواد مخدر و مراکز عمده احتمالی استفاده از مواد مخدر را فراهم می‌کند. مردم‌نگاری و دیگر تحقیقات مبتنی بر تجربه، بینش‌های جدیدی را از سوءمصرف مواد فراهم می‌کنند. این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش بوده است که، چه رابطه‌ای بین باورها و هنجارهای تشویقی و استفاده از مواد مخدر وجود دارد؟ براساس مصاحبه‌های به عمل آمده و پس از تجزیه و تحلیل آن‌ها در میان مطلعین قوم عرب شهرستان اهواز، می‌توان چنین نتیجه گرفت که، در حوزه‌های مطرح شده یعنی آداب و رسوم، توصیه‌های درمانی و باورهای عامیانه هنجارهایی وجود دارد که تسهیل‌گر استفاده از مواد مخدر در میان این قوم است. این تحقیق به ۳ مقوله‌ی محوری دست یافته است که اولین مقوله، گرایش به باورها و آداب و رسوم محلی قوم عرب در زمینه مصرف این مواد است. به عنوان نمونه، از دید قوم عرب در شهرستان اهواز؛ "محصولاتی چون چای، قهوه و همهی گیاهان دارویی و بوته‌ای از جمله خشخاش و حتی گیاهانی که به عنوان چاشنی به غذای اصلی اضافه می‌شوند، نقش شگفت‌انگیزی در ترمیم، التیام و درمان دارند". یافته‌ها نشان می‌دهد که درک و ارزش‌های مشترک می‌تواند رویه‌های روشنی را برای استفاده کنندگان مواد مخدر در مورد این که چرا، کجا و چه مقدار مصرف مواد مخدر استفاده کنند، شکل دهد و استفاده از مواد مخدر را توجیه سازد. بدیهی است که، دانش و رفتار در مورد مصرف مواد مخدر از طریق یک شبکه به هم پیوسته اجتماعی، که بیشتر نشان دهنده وجود یک خرده فرهنگ مواد مخدر است، منتقل می‌شود. دومین مقوله باورهای عامیانه نسبت به مصرف مواد مخدر است، که با توجه به نتایج مطالعه این مقوله بر اهمیت نقش یادگیری در یک خرده فرهنگ در شروع، تداوم، و تجربه مصرف مواد مخدر تاکید می‌کنند. از طریق تجربه در گروه‌های استفاده کننده از مواد مخدر، استفاده کنندگان مواد مخدر به هنجارها، ارزش‌ها و ادراکات مشترکی پیرامون استفاده از مواد مخدر دست یافته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه تشویق به مصرف مواد مخدر، موضوعی اجتماعی و شامل یک فرایند شروع به استفاده از مواد مخدر از طریق قرار گرفتن در معرض خرده فرهنگ مواد مخدر است. سومین مقوله توصیه‌های محلی و درمانی نسبت به مواد مخدر است؛ کاربران مواد مخدر، درک و لذت

بردن از اثرات دارو را از طریق تعامل با کاربران با سابقه ساکن در قلمرو یک خرده فرهنگ فرا می گیرند. این باورها و توصیه های تشویق کننده ناشی از تبلیغات نامناسب فرهنگی است، که اثرات زودگذر و غلط مواد مخدر را تأیید می کند. در این پژوهش، توصیه های محلی و درمانی درباره مواد مخدر و استفاده از این مواد در جشن ها و مهمانی ها به عنوان دلایل و الگوهای استفاده نشان داده شده است. می توان گفت که باورها و هنجارهای تشویق کننده مصرف مواد مخدر، برای درمان و یا کاهش درد ناشی از بیماری ها از قدیم الایام در طب سنتی رواج داشته و در شکل گیری این خرده فرهنگ بی تأثیر نبوده است. این توصیه ها ممکن است ابتدا، بسیار تسکین دهنده باشد ولی به مرور زمان بدن در برابر آن واکنش نشان می دهد و مواد مخدر جزء زندگی فرد می شود به گونه ای که فرد حس می کند، بدون آن نمی تواند زندگی کند و قطعاً این وابستگی، بسیار مخرب تر از آثاری است که ممکن است بیماری در فرد به وجود آورد. به طور کلی با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها، می توان گفت: پابندی به هنجارهای قومی، در جامعه مورد مطالعه به ویژه فرهنگ سنتی اعراب ساکن در شهرستان اهواز در مورد شیوه به کارگیری مواد مخدر در درمان، نقش مهمی در مصرف مواد مخدر داشته است. این باورها و توصیه های تشویق کننده بر اثر تبلیغات غلط فرهنگی به وجود آمده است. بنابراین، این رفتارها ذات عرب های خوزستان نیست، بلکه، بر اثر شرایط تاریخی و سیاسی خاصی ایجاد شده اند. اگر این شرایط تغییر کند تا حدی از این رفتارها کاسته می شود. با توجه به این که لازمه اصلی تدوین راهکارها و برنامه های یک منطقه، شناخت دقیق وضع موجود و تحلیل درست آن می باشد و بدون این شناخت، هرگونه برنامه ریزی بلندمدت، میان مدت و حتی کوتاه مدت کارایی لازم را نخواهد داشت، پیشنهاد می گردد مسئولین اجرایی در فرایند برنامه ریزی و اجرای برنامه های گوناگون به همی ابعاد فرهنگی و اجتماعی مناطق مختلف توجه کنند. از این رو، براساس نتایج به دست آمده لازم است که، در سیاست ها و برنامه ها، برای تغییر ذهنیت و رفتار و کردار مردم عرب خوزستانی به ویژه در روستاها و حاشیه شهرها کار فرهنگی کارشناسانه و مؤثرتری انجام شود. پیشنهاد می شود نخبگان علمی و

فکری عرب، با تعامل نزدیک با مردم به ویژه مناطق حاشیه‌ای و روستاها نسبت به بهینه‌سازی سبک زندگی آن‌ها اهتمام ورزند.

منابع

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ریترز، جورج (۱۳۷۹). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قیم، عبدالنبی (۱۳۸۰). نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی، ۲(۷)، ۲۲۵-۱۸۷.
- عزیزی بنی‌طرف، یوسف (۱۳۸۰). تنوع قومی در ایران؛ چاش‌ها و فرصت‌ها (بخش دوم)، میزگرد، فصلنامه مطالعات ملی، ۳(۹)، ۲۳-۱۲.
- روسی، سعیده؛ و محمدی دولت‌آباد، خدیجه (۱۳۹۰). تبیین تجربه زیسته زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده اعتیاد، جامعه‌شناسی زنان، ۲(۱)، ۷۴-۵۵.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه‌نوسازی - مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲- منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۲). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- Beck, J., & M. Rosenbaum (1994). *Pursuit of Ecstasy: The MDMA Experience*. Albany: State University of New York Press.
- Becker, H.S. (1953). Becoming a Marijuana user, *American Journal of Sociology*, 59, 235-242.
- Clinard, M.B. and R. Meier (1992). *Sociology of Deviant Behavior*, Fort Worth, TX: Harcourt Brace Jovanovich College Publishers.
- Furnham, A., & Thomson, L. (1996). Lay theories of heroin addiction. *Social Science and Medicine*, 43, 29-40.
- Feldman, M., Bell, J., & Berger, M. (2003). *Gaining Access: A Practical and Theoretical Guide for Qualitative Researchers*. California: Rowman & Little field publishers, p171, ISBN-13: 978-0759102163.
- Shekarbaigi, A. (2012). Comparison of Lay Beliefs of Suburbia and Non Suburbia Adolescents about Symptoms, Causes and Cures of Addiction, *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 2(4), 4039-4044.
- Gourle, M. (2002). A subcultural study of recreational ecstasy use. *Journal of Sociology*, 40(1), 59-73.

- Golparvar, M., Delaware, A., Ahadi, H., & Nafisi, G. (2004). Build your credit rating and expectations with respect to narcotics. *Knowledge and Research in Psychology*, 21-22, 13-44.
- Jiloha, R. C. (2009). Social and Cultural Aspects of Drug Abuse in Adolescents. *Journal of Delhi Psychiatry*, 12(2), 167-175.
- Small, W., Fast, D., Krusi, A., Wood, E., Kerr, T. (2009). Social influences upon injection initiation among street-involved youth in Vancouver, Canada: A qualitative study. *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 4(8), DOI: [10.1186/1747-597X-4-8](https://doi.org/10.1186/1747-597X-4-8).
- Kermode, M., Sono, C. Z., Songput, Ch. H., Devine, A. (2013). Falling through the cracks: a qualitative study of HIV risks among women who use drugs and alcohol in Northeast India. *BMC International Health and human Rights*, 13(9), DOI: [10.1186/1472-698X-13-9](https://doi.org/10.1186/1472-698X-13-9).
- Kennedy, E. M., & sundquist, D. (1994). *Technologies for Understanding and Preventing Substance Abuse and Addiction*, Washington, DC: U.S. Government Printing Office.
- Measham, F., Parker, H., Aldridge, J. (1998). The Teenage Transition: From recreational drug use to the young adult dance culture in Britain in the MID-1990s. *Journal of Drug Issues*, 28(1), 9-22.
- Maithya W. R. (2009). *Drug Abuse in Secondary Schools in Kenya: Developing a Program for Prevention and Intervention*, Ph.D unpublished dissertation, University of South Africa.
- Mc Millan, B., Onner, M. (2003). Applying an extended version of the theory of planned behavior to illicit drug use among students. *Journal of Applied Social Psychology*, 33(8), 1662-1683.
- Parker, H. J., Aldridge, J., Measham, F. (1998). *Illegal Leisure: The Normalization of Adolescent Recreational Drug Use*. London: Routledge.
- Palmer, S., & Humphrey, J. A. (1990). *Deviant Behavior: Patterns, Sources and Control*. New York: Plenum Press.

